

#### اخبار

#### افتتاح بیست و پنجمین جشنواره فیلم روسیه با عنوان «پنجره‌ای به اروپا»

بیست و پنجمین جشنواره فیلم روسیه با عنوان «پنجره‌ای به اروپا» در شهر ویبورگ منطقه لنینگرادسکی افتتاح شد.بیست و پنجمین جشنواره فیلم روسیه با عنوان «پنجره‌ای به اروپا» که سمبل امسال آن سرگتی بودوروف جونیور بازیگر، کارگردان فیلمنامه‌نویس است، در شهر ویبورگ منطقه لنینگرادسکی افتتاح شداین جشنواره طی هفت روز کاری نزدیک به ۱۳۰ انیمیشن، مستند و فیلم برای تماشاگران به نمایش گذاشت. امسال هیات داوران در بخش سینمای مستند بیش از ۳۰۰ درخواست برای شرکت در این بخش دریافت کرده‌اند.۲۸ تماشاگر برابر با ۶ شهرویر ماه اختتامیه این جشنواره طبق سنت در دیوارهای قلعه ویبورسک برگزار خواهد شد.این جشنواره از سال ۱۹۹۳ با حمایت وزارت فرهنگ فدراسیون روسیه برگزار می‌شود. از برگزیدگان این جشنواره در دوره‌های مختلف می‌توان به افرادی چون کارن شاهنظرف، رناتا لیلینویا، پوریس خلیبیکوف، اولگ یانکوفسکی و بسیاری دیگر اشاره کرد.سرگنی بودوروف جونیور بازیگری روس است که قبل از هر چیز به خاطر بازی در فیلم‌های «برادر» و «برادر-۱» به کارگردانی الکسی بالابانوف شناخته و در سال ۲۰۰۲ در تنگه کارمادونسکی در حادثه‌ای هنگام فیلمبرداری در اوستیای شمالی کشته شد.

#### محمدعلی صفورا دبیر نهمین جشن مستقل انیمیشن شد

مدیرعامل «سینفا» نام دبیر نهمین جشن مستقل انیمیشن را اعلام کرد.روانبخش صادقی مدیر عامل «سینفا» و عضو هیات مدیره خانه سینما با اشاره به اینکه نهمین جشن مستقل انیمیشن به زودی برگزار می شود، گفت: طی جلسه ای که به تازگی برگزار شد، دبیر نهمین جشن مستقل انیمیشن انتخاب شد.وی ادامه داد: محمدعلی صفورا به عنوان دبیر نهمین جشن مستقل انیمیشن انتخاب شد.صادقی در پایان گفت: به زودی زمان و چگونگی برگزاری این جشن اعلام می شود.محمدعلی صفورا از اعضای شورای تخصصی انیمیشن مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس و دارای سابقه کارگردانی، تولید انیمیشن، نگارش و ترجمه است.

#### صدآگذاری فیلم کوتاه بدل توسط احسان افشاریان

احسان افشاریان که این روزها بیشتر مشغول همکاری با فیلمسازان فیلم های کوتاه است درباره پروژه‌هایی در دست کارش توضیح داد.احسان افشاریان صدآگذار سینما و تلویزیون با اشاره به جدیدترین فعالیت های خود در این حوزه گفت: به تازگی صدآگذاری سریال «پنچری» به کارگردانی برزو نیک‌نژاد را به پایان رسانده ام، البته در کنار این سریال، چند فیلم کوتاه خوب کار کرده ام و همچنین در حوزه سینما نیز پیشنهادهایی داشته ام که هنوز درباره آنها به قطعیت نرسیده ام.این متخصص امور صدا در سینما درباره فیلمی که در آن همکاری داشته و در جشن مستقل فیلم کوتاه نامزد شده است، بیان کرد: با فیلم کوتاه «آریو والبال» به کارگردانی محمد بخشی همکاری داشتم که توانست در این دوره از جشنواره فیلم کودک جوایز اصلی فیلم کوتاه را دریافت کند و امیدوارم در جشنواره فیلم کوتاه تهران و جشن مستقل فیلم کوتاه نیز به خوبی دیده شود.وی بیان کرد: همچنین یک فیلم کودک دیگر با نام «بدل» با کارگردانی روناک یونسی را در حال صدآگذاری دارم که می توان آن را جزو فیلم های کوتاه دانست. فکر می کنم صدآگذاری این پروژه ۱۵ روز دیگر به پایان رسد.افشاریان در پایان گفت: مستند «بدل» ۳ داستان موازی را دنبال می کند و درباره بدلکاران سینمای ایران است.



#### سرویس هنری- نمایشگاه حجم و مجسمه اکبر نعمتی سوم شهریورماه در گالری ایوان افتتاح شد.

به گزارش امتیاز؛ گالری ایوان روز جمعه میزبان نخستین نمایشگاه اکبر نعمتی، هنرمند هفتاد ساله‌ای بود که سه مجموعه متفاوت از آثار خود را که در طول هشت سال گذشته به وجود آمده است به نمایش گذاشت. افتتاحیه این نمایشگاه در حالی برگزار شد که جمعیت زیادی از علاقه‌مندان گروه پالت نیز در افتتاحیه نمایشگاه او حضور داشتند. امید نعمتی به همراه گروه پالت در نمایشگاه پدر خود حضور یافت و به اجرای تعدادی از قطعات مطرح این گروه پرداخت. تعدادی دیگر از چهره‌های موسیقی نیز در این مراسم حضور داشتند و سردار سرمست و مهدی ساکی از جمله هنرمندانی بودند که به اجرای برنامه پرداختند.

در طبقات مختلف گالری آثار متنوعی از نعمتی به نمایش گذاشته شده است که هر کدام با ابزار و رویکردی متفاوت به وجود آمده‌اند. تابلوهایی که به دیوار نصب شده‌اند، مناظری کوبری هستند که با سوزاندن ورقه‌های چوبی به وجود آمده‌اند. مجسمه‌هایی که با مواد دور ریختنی ساخته شده‌اند بخش دیگری از آثار این مجموعه است. سومین دسته به آثاری

نگار آذربایجانی و سحر صباغ‌سرشت کارگردان و تهیه کننده «فصل نرگس» درباره انگیزه‌شان از ساخت فیلمی درباره اهدای عضو و رفتارهایی که با اثرشان شده است، صحبت کردند.فیلم سینمایی «فصل نرگس» که با کارگردانی نگار آذربایجانی این روزها روی پرده سینما است، فیلمی که با نگاهی انسان دوستانه و امیدبخش به موضوع اهدای عضو می پردازد. هرچند بارها شاهد ساخت آثاری در تلویزیون با همین محوریت بوده ایم اما این فیلم سرگذشت افرادی را روایت می کند که بعد از دریافت عضو به زندگی ادامه می دهند و در واقع تاثیر اهدا در زندگی آنها دیده می شود؛ افرادی که گویا بعد از دریافت عضو قدر لحظه ها و ثانیه های زندگی را بیشتر می فهند. با این وجود کارگردان و تهیه کننده این اثر از بی توجهی مسئولان نسبت به این فیلم گله مند هستند و بر این باورند که حمایت‌های لازم از «فصل نرگس» صورت نگرفته است.با نگار آذربایجانی کارگردان و سحر صباغ‌سرشت تهیه کننده «فصل نرگس» درباره این اثر به گفتگو نشستیم که شرح آن را در زیر می خوانید:تاکنون چندین بار فیلم هایی با موضوع اهدای عضو ساخت شده است اما این آثار همواره پروسه اهدا را نشان داده اند ولی فیلم شما دست روی یک موضوع جدید گذاشته و زندگی افراد را پس از دریافت عضو نشان داده است. چرا این موضوع را دستمایه ساخت فیلم قرار دادید؟نگار آذربایجانی: موضوع اهدای عضو جزو دغدغه های من بود و همواره به آن فکر و حس می کردم که هنوز لازم است درباره آن فیلم ساخته شود، چون برای خیلی ها هنوز پذیرش این امر مساله است. به ویژه این خانواده هایی که یکی از عزیزانشان دچار کم مغزی می شود هنوز رضایت دادن برای اهدای عضو را بسیار سختی است زیرا بیشتر دلایلی که آنها دارند احساسی و خرافی است بنابراین فکر می کردم لازم است فیلمی ساخته شود که ما تاثیر اهدای عضو را بر زندگی افرادی ببینیم که عضوی را گرفته اند. البته چیزی که جرقه این موضوع را در ذهن من زد ذوق عسل بدبعی و اتفاقی بود که برای افتاد به همین دلیل سرآ ساخت این فیلم رفتم. یا در این مسیر مرگ لی کرده و می دانستند دیر یا زود یک عضوشان از بین می رود و به همین دلیل خود را به مرگ نزدیک می دیدند، در نتیجه پس از دریافت عضو می گفتند انگار دوباره متولد شده اند و جهان بینی آنها نسبت به زندگی تغییر کرده بود. این افراد خیلی بیشتر از آدم های معمولی قدر لحظه ها و ثانیه های زندگی را می دانستند و درباره زندگی به یک بلوغ و تفکری رسیده بودند؛ چیزی که شاید بقیه آدم ها ندارند.فیلم اصلا به ورطه تهییج احساسات پیبنده نرفته است، آا آگاهانه چنین کاری کردید؟آذربایجانی: ما نمی خواستیم که مخاطب به ورطه احساسات بیفتد و این موضوع کاملا آگاهانه بود. هدف ما این بود که بگوییم می شود به مرگ جور دیگری نگاه کرد و آن را بخشی از زندگی دانست، نه پایان زندگی. به هر حال مرگ یک پدیده اجتناب ناپذیر است و برای هر کسی اتفاق می افتد. من این شیوه ای را که در سینمای ایران بسیار متداول است و احساسات مخاطب رابر می انگیزد، نمی پسندم. فکر می کنم هیچ دلیلی وجود ندارد وقتی ما درباره یک مساله گفتنی صحبت می کنیم؛ مساله ای که به خودی خود تلخ است آن را با چاشنی اشک، آه، گریه و سیاهی درآمیزیم و آن را تلخ تر کنیم. هر چند می دانم که برخی چنین موضوعاتی را دوست دارند اما ما نمی خواستیم یک فیلم تلخ بسازیم. می خواستیم موضوع اهدای عضو را به شیوه ای مطرح کنیم که آن شیوه از اهمیت موضوع نکاهد و نگاه دیگری داشته باشد، چون فکر می کنم که موضوعات تلخ و غم انگیز را می شود جور دیگری نشان داد.سحر صباغ‌سرشت: در سینمای ایران اغلب به این ترتیب است که وقتی فیلم تمام می شود سینمدار بلافاصله چراغ ها را روشن می کند اما در ارتباط با «فصل نرگس» به گونه ای است که مخاطب پس از اتمام فیلم، صندلی را بلافاصله ترک نمی کند در نتیجه سینمدار هم چراغ ها را روشن نمی کند. مردم تحت تاثیر موضوع فیلم قرار می گیرند و یک جریان فکری در ذهنشان بروز و ظهور می کند. در این میان مهمترین تاثیری که بیشتر مخاطبانش پس از تماشای فیلم گرفته اند این بوده است که دهشتان پویاتر شده و تلنگری به شکل موازی هم بر عقل و هم بر عاطفه‌شان زده شده است به طوری که بیشتر مخاطبان به ما گفته اند که موضوع «فصل نرگس» به گونه ای است که بعد از تماش، بلافاصله از یادمان نمی رود بلکه تا مدت ها ذهنتان درگیر موضوع و محتوای فیلم بوده است حتی دیدن فیلم برای بار دوم برابر با مراتب حفظ بیشتری را دارد. به نظر من این یعنی اینکه فیلم «فصل نرگس» کار خود را انجام داده است و منطق با هدف گذاری های اولیه اش پیش می رود و به درک و شعور مخاطب هم احترام می گذارد؛ در نتیجه پیش بینی می کنم «فصل نرگس» آن دسته از فیلم هایی است که در گیشه روند درجی‌ای رو به رشدی خواهد داشت چرا که فیلم های با محتوا خاصیتی هایی دارند که گرچه قدم به قدم اما حتما راهشان را در ارتباط با مخاطب و گیشه فروش هم پیدا خواهند کرد البته با درک این موضوع که به زمان بیشتری در اکران و نمایش عمومی برای رسیدن به این نقطه نیاز دارند. این راه هم باید اضافه کنم که فیلم هر پی آن است که بگوید اگر در زندگی غم وجود دارد شادی های هم هست و در ناامیدی بسی امید است. فقط کافی است ارزش روزهای زندگی را بدانیم و

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور  
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: **غلامحسین شعبانی**  
دبیر تحریریه: **هومن جعفری**  
نشانی: میدان انقلاب – خیابان جمאה‌زده‌شمالی  
پلاک ۳۶۰ واحد ۵

پست الکترونیک: **info@emtiazdaily.ir**  
تلفن: ۶۶۵۹۱۸۰۹  
آگهی دولتی: ۶۶۵۱۷۷۶۴ – آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹  
لینوگرافی و چاپ: **ریحان**

WWW.EMTIAZDAILY.IR

# اجرای گروه پالت در افتتاحیه یک نمایشگاه



اختصاص دارد که با میخ به وجود آمده‌اند و ترکیب بندی‌های گوناگونی را ایجاد کرده‌اند. اکبر نعمتی در مورد آثار این نمایشگاه گفت: مجموعهء خانه‌های سوخته کویر حاصل رفاقت آتشی و چوب است. این تابلوها بدون هیچ رنگ و ماده اضافی، تنها با سوزاندن و حرارت دادن چوب ایجاد شده است. مجموعه میخ‌ها نیز شامل چند بخش می‌شود. در تعدادی از آثار با چیدن میخ‌های معمولی در کنار یکدیگر،

شکل پیدا می‌کنند. این سه مجموعه را در کنار یکدیگر پیش بردم و در زمان‌های مختلف بر اساس حالی که داشتم روی آنها کار می‌کردم. او با اشاره به سوابق هنری خود افزود: از سال ۴۵ نقاشی را آغاز کردم و از سال ۵۰ به صورت حرفه‌ای در زمینه گرافیک و چاپ مشغول به کار شدم. تحصیلات آکادمیک در این زمینه نداشتم و همیشه معتقد بودم هنر را باید در جریان زندگی جستجو کرد. مدت کوتاهی با مرضی ممیز همکاری کردم و چیزهای بسیاری یاد گرفتم. بعد از انقلاب هم وارد دانشگاه شدم تا گرافیک را اصولی‌تر بیاموزم. گفتنی است گالری ایوان تمامی فروش کاتالوگ و سود حاصل از فروش آثار این نمایشگاه را به یک خیریه معتبر اهدا می کند. گالری ایوان در نمایشگاه‌های قبلی سهم خود از فروش آثار هنری را به خیریه‌های محک، ماموت، نیکان، کمک، دهش‌پور، انجمن حمایت از کودکان کار، مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد و بنیاد کودک اهدا کرده بود. نمایشگاه آثار اکبر نعمتی تا ۱۰ شهریورماه ۱۳۹۶ در گالری ایوان به آدرس الهیه، خیابان مهدیه، خیابان جبهه، کوچه لسانی، بن‌بست حمید، شماره ۱ برقرار است. علاقه‌مندان می‌توانند هر روز به جز شنبه‌ها از ساعت ۱۶ تا ۲۰ از این آثار دیدن کنند.

# گفتگو با کارگردان و تهیه کننده فیلم «فصل نرگس»



ساده از آن عبور نکنیم و به همین ترتیب به تمام ارزش های دیگر زندگی به شکل موازی بپردازیم.در «فصل نرگس» همه آدم ها افراد خوبی هستند و تقریبا کاراکتر منفی نداریم و به همین دلیل ممکن است مخاطب بگوید این فیلم از جامعه من دور است.آذربایجانی: در این قصه لزومی ندیدیم که آدم های خبیثی طراحی کنیم. به هر حال هر آنچه که از دل بر می آید به دل می نشیند. شاید باور خودم نسبت به افراد این است که آدم ها حیثیت نیستند.صباغ سرشت: نویسنده با هدف قبلی در پی به تصویر کشدن مسایل قشنگ تری بوده است ولی ما آدم هایی را که باعث آزار دیگران می شود نیز می بینیم. برای مثال بچه هایی که به صورت پنهانی از رضا فرجام عکس می گرفتند یا آن راننده رضا فرجام از این دسته از افراد بود.«فصل نرگس» یک اثر زنانه است و تقریبا همه کارهای مثبت را زنان انجام می دهند. در این باره توضیح می دهید؟آذربایجانی: پیوند عضو از بدن یک زن به یک مرد کار ریسک کذب پذیری است که دلیل علمی هم دارد، از همین رو نمی خواستیم خود را وارد یک ماجرای پیچیده پزشکی کنیم، اما در سینمای ما و سینمای جهان تعداد قهرمانان مرد و فیلم هایی که نگاه مردانه دارند خیلی بیشتر از فیلم هایی با محوریت زنان است. من هیچ موضوعی علیه آن ندارم اما فکر می کنم به عنوان یک فیلمساز زن وقتی دنیای زن ها را بیشتر می شناسم و با هدف وارد مسیر قصه ای تعریف کنم بهتر است شخصیت های اصلی زن را تعریف و طراحی کنم البته نه به شکل مردستیزانه چون من اصلا نگاه مردستیزانه ندارم. نگاه من به افراد فرارجنسیتی است.صباغ سرشت: به طور کلی خلق کردن قهرمانان زن بسیار سخت است و اگر در «فصل نرگس» این اتفاق افتاده باشد جزو امتیازات فیلم است.تانوجه به اینکه «فصل نرگس» موضوع مطلوب وزارت بهداشت و برخی از سازمان ها نهادهای را به تصویر می کشد یا تاکنون حمایتی از سوی آنها دریافت کرده اید؟صباغ سرشت: من به یقین رسیده ام که به خلاف شعارهایی که می شنویم، مسئولیت اجتماعی در برابر فرهنگسازی در جامعه تعریف نشده است، متأسفانه به همین نسبت تعهدی هم برابر حمایت از فیلم هایی با محتوای فرهنگی وجود ندارد. برای باز شدن تعریف حمایتی که مدنظرم است به یک نمونه کاملا منصفانه اشاره می کنم؛ فیلم های اجتماعی با‌محتوا و هدفمند در راستای ترویج یک فرهنگ در جامعه، سینماها و سانس های نمایش دهنده متناسب خود را برای موفقیت در مسیر اکران نیاز دارند ولی این اتفاق نمی افتد.شاید مخاطبان فیلم ها صرفا سرگرم ساعت ۱۳:۰۰ ظهر وسط هفته حتی دورترین سینما را هم برای تماشای آن گونه از فیلم ها انتخاب کنند اما نه آن سینمای دورافتاده و نه این ساعت از ظهر تابستان، زمان گزینۀ مناسبی برای فیلم های هم که به تدریج دیده می شوند، نیستند و این یعنی عملا برای برنامه اکران فیلمی چون «فصل نرگس» با موضوع اجتماعی همان فرمول روشی تعریف می شود که برای فیلم های کمدی صرفا سرگرم کننده در نظر گرفته می شود.علاوه بر سانس، سینماهای نمایش دهنده فیلم های اجتماعی و مدت زمان و دوره اکران این گونه فیلم ها هم بسیار جایز اهمیت است و آن هم حتما باید برای تریب و تشویق مخاطب به تماشای اینگونه فیلم ها در روش‌های کاملا متفاوت فیلم ها در یک طرف با هم قرار می گردن و اتفاقا فیلم های صرفا سرگرم کننده که خوششان راه خودشان را پیدا می کنند بیشتر مورد توجه و حمایت قرار می گیرند تا فیلم هایی که خاصیت دارند و به افکار عمومی یک جامعه تاثیر جدی خواهند داشت.از طرفی دیگر، با توجه به اینکه تولید فیلم های اجتماعی که به نوعی یک مسئولیت اجتماعی هم محسوب می شود، با چتریاتی که در ذائقه مخاطب صورت گرفته و مردم بیشتر دنبال سینمایی سرگرم کننده هستند تا فیلم های با محتوا، توجه اقتصادی ندارند پس در صورت قابل بودن به دوام چرخه تولیدشان کاملا و مستقیما باید مورد حمایت سازمان های مرتبط با موضوع قرار بگیرند نه اینکه اگر هم کمترین حمایتی هم در آنها شد، نسبت فیلمی دولتی به آنها داده شود و یا اگر فیلمی با نیت قلبی خود صاحبان اثر به صورت کاملا مستقل ساخته شد، عنوان سفارشی را به گردنش بیاویزند.جالب است که بگوییم که آن اوایل فکر می کردم ما مشغول ساخت فیلمی هستیم که می توانیم به واسطه آن روی فرهنگ جامعه مان تاثیر به سزایی بگذاریم که با توجه به ارزش محتوا و مضمون فیلم شوخ‌اشنبه هم فکر نمی کردم اما آن زمان غافل بودم از این که ترویج یک فرهنگ در جامعه در یک بستر درست امکان پذیر است و ما به عنوان فیلمساز با در اختیار داشتن امکان فیلمسازی یکی از ارکان لازم و البته موثر این امر محدود کردیم. کاندب ساختار ذهنی سازندگان این گونه آثار بدون اینکه شکل سفارشی به خود بگیرند و از خلاقیت های حرفه ای بکاهد، شایسته تر است که سازمان های مرتبط با موضوع غیر از جریان حمایتی که به عنوان یک مسئولیت اجتماعی در دوره اکران این گونه فیلم‌های هدفمند می یابست برای مجموعه هایشان تعریف کنند، در تولید این آثار هم مهم است که حمایت های اقتصادی موثرتری داشته باشند در غیر این صورت آنچه امروز اتفاق می افتد، آینده خوبی را برای بقای تولید این گونه فیلم پیش بینی نمی کنندو

## یک فنبان جای داغ

#### وضعیت سلامت نادر گلچین

مرحانه گلچین برادرزاده استاد نادر گلچین تازه ترین اوضاع جسمانی این خواننده موسیقی ایرانی پس از بستری شدن در بیمارستان را تشریح کرد.مرحانه گلچین بازیگر سینما و تلویزیون با اشاره به تازه ترین اوضاع جسمانی عموش که از چند روز گذشته در بیمارستان گاندی تهران بستری شده است، توضیح داد: متأسفانه مشکل ریوی استاد نادر گلچین حاد شده به طوری که از روز گذشته به دلیل تشدید این مشکل، وی در تخلیه شود تا روند درمان طی شود.وی ادامه پزشکان باید عفونت موجود در ریه تخلیه شود تا روند درمان طی شود.وی ادامه داد: در حال حاضر تنها مشکلی که با آن رو به رو هستیم ضعف جسمانی و مشکل حاد عفونت ریه است که امیدوارم هرچه زودتر عموی بتواند غذا بخورد تا روند درمان نیز پیگیری شود. استاد گلچین سال هاست از این بیماری رنج می برد و امیدوارم مشکلات حل شود.نادر گلچین از جمله خوانندگان شناخته شده موسیقی ایرانی است که تاکنون آثاری چون «یوسف گم گشته»، «مرغ سحر»، «ناوک مژگان»، «قصه شهر عشق»، «مسبب»، «من دیگه بچه نمیشم» و آلبوم‌های «گریز»، «فنس باد صبا»، «زلف بنفشه» را منتشر کرده است.وی در طول سال های فعالیت خود در موسیقی با هنرمندان بزرگی چون فرامرز پاپور، منصور صارمی، پرویز باقعی، حبیب‌الله بدبعی، علی‌ناصر بهاری، جلیل شهناز، فرهنگ شریف، فضل‌الله توکل، جهانگیر ملک، انصراف افتتاح، محمد اسماعیلی، آبتین اجالوی و منصور نریمان همکاری کرده است.

#### درگذشت تویی هوپر کارگردان فیلم‌های ژانر ترسناک

تویی هوپر کارگردان فیلم‌های ژانر ترسناک چون «کشتار با اَره برقی در تگزاس» در ۷۴ سالگی درگذشت.تویی هوپر کارگردان فیلم‌های ژانر ترسناک که با ساخت فیلم «کشتار با اَره‌برقی در تگزاس» و «روح خبیث» به شهرت رسید روز شنبهدر کالیفرنیا از دنیا رفت.کشتار با اَره‌برقی در تگزاس» محصول ۱۹۷۴ به یکی از فیلم‌های تأثیرگذار همه تاریخ در ژانر ترسناک بدل شد و اثر امر برای شوهایی واقع‌گرایانه و دیدگاهی دیوانوار به موضوع، حاصل شد. این فیلم که با هزینه کمتر از ۳۰۰ هزار دلار شکل گرفت، داستان گروهی از دوستان بدشانس است که در حالی که می‌خواهند به خانه پدربزرگ یکی از آنها بروند در راه با قاتلان آدم‌خوار روبه رو می‌شوند. این فیلم از فیلم‌های موفق دهه ۱۹۷۰ در آمریکا بود و شخصیت صورت چرمی آن بر مبنای شخصیت اَدِوین قاتل سریالی شکل گرفته بود.هوپر دنباله این فیلم را با نام «کشتار با اَره‌برقی در تگزاس ۲» در سال ۱۹۸۲ ساخت که استون اسپیلبرگ تهیه کننده‌اش بود و بیشتر با نگاهی کم‌دی ساخته شد.روح خبیث» در سال ۱۹۸۲ بر مبنای فیلمنامه استیون اسپیلبرگ و به تهیه کنندگی وی به کارگردانی هوپر ساخته شد و به کلاسیکی در این ژانر بدل شد. این فیلم داستانی خانواده‌ای را روایت می‌کند که وارد خانه‌ای می‌شوند که در تصرف ارواح است. جویت ویلیامز و کریگ تی نلسن بازیگران این فیلم بودند. این فیلم موفقیت بزرگی برای کمپانی مترو گلدوین مایر کسب کرد و هشتمین فیلم پرفروش سال شداین کارگردان سپس دو فیلم «تبروی حیاتی» و «مهاجمان مرخ» را ساخت و بعد به اقتباسی از رمان پرفروش استون کینگ روی آورد که در قالب یک مینی سریال در سال ۱۹۷۹ توجه زیادی را به خود جلب کرد.او در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ نیز در زمینه سینما و تلویزیون کار کرد اما هیچ یک از فیلم‌هایش به موفقیت آنچه در سال‌های اول خلاقیتش ساخته بود نرسید.علت درگذشت این کارگردان هنوز روشن نشده است.

#### ضبط ۲۵ درصد سریال برادران محمودی با عنوان «سایه بان»

فیلمبرداری سریال برادران محمودی با عنوان «سایه بان» به لوکیشن پایخانه رسید.سریال برادران محمودی با عنوان «سایه بان» با حضور امین تارخ و بهزاد فرهانی که به تازگی به گروه بازیگران سریال اضافه شده اند، همچنان در تهران و در پایخانه یکی از شخصیت های داستان با نام مهراں ادامه دارد و تاکنون ۲۵ درصد از این سریال ضبط شده است.گروه سازنده سریال «سایه بان» از حدود ۲ ماه پیش کار تصویربرداری سریال را در تهران و در یک کارگاه تولید میل شروع کرده اند و پایخانه دومین لوکیشن اصلی سریال است که گروه وارد آن شده است.با ورود به لوکیشن جدید بازیگران دیگری به جمع بازیگران سریال اضافه شدند. «سایه بان» برادران محمودی با تمکیم بر زندگی قشر کارگر، روابط، بیم ها و امیدهای آنها طراحی شده است. در خلاصه داستان آمده است: سایه بان قصه زندگی امروز ما و شماست. دو رفیق که در منطقه ای کارگر نشین بزرگ شده اند، تا پای جان تلاش می کنند تا با امید چراغ خانه هایشان را روشن نگه دارند. ایستاده اند در برابر سرنوشت سرکش. عشق و ایمان، خون می شود در رگ هایشان تا از یا تیغندند با دلخوش بمانند به رحمت خدا و فرادهای بهتر اما زخمی در راه است زخمی که سنگ محکی است برای رفاقت دیرینه شان .بازیگران سریال عبارتند از: امین تارخ، روبا تیموریان، بهزاد فرهانی، علی اوسینود و بیروش نظریه، مجتبی پیرزاده، هستی مهدوی، کاوه خاشانسان، آفسانه کمرال، حسام محمودی، خاطره حاتمی و سامان صفاری، افشین اخلاقی، سینا مهرآباد، ساقی حاجی پور، زهرا پهلوز منشا، مهدی آقا جعفر کرمانی، نگار جعفری و ... دیگر عوامل سریال عبارتند از نویسنده: سعید دولتخانی، جمشید محمودی، ناظر کیفی: سیدهدادی موسوی، مدیر تصویربرداری: امیر موسوی، تصویرپرداز: مهدی رضایی، دستیاران تصویربرداری: فرهاد رستمی، مهدی میر اعلائی و مسلم میرشکاری، مدیر موبیل: میلاد عباسی پور حسین ایمانی، طراح گریم: محمدرضا قومی، سحره گریم آقایان: سعید سادایی، مجری گریم بانوان: شیرین زواری، تدوین: نیما جعفری جوزانی، دستیاران: فرشید فارسیجانی، لیلی نوروزی، جلوه های ویژه بصری: علیرضا قادری اقدم، مدیر صادبارداری: سعید چنچوری، دستیاران صدا: فرزین زند و محمدرضا محب، طراح صحنه: ابراحیمسین باباییان، دستیار اول صحنه: سامان دهناد، مدیر صحنه: مهدی ابراهیمی، دستیاران صحنه: میلاد رازی و سامان فخری، منشی صحنه: مرجان تاجیک عکاس: فتاح ذی نوری، طراح لباس: مهرداد اکبری، دستیار لباس: العیرا شیر انگیز، دستیار اول و مدیر برنامه یزنی: فرزاد رحمانی، برنامه ریز: احسان طرخورانی، دستیار کارگردان: بهروز هدواند، محمد مهرورز، محمد خان محمد، مجری طرح: شیما قنبری، نماینده هنروران: آرش منتظری هستند.

## اضافات مسعودی

#### چرا عادت داریم برای همه چیز سناریو بسازیم ؟!

یکی از بازیگران سینما و تلویزیون که اخیراً از همسر نویسنده اش جدا شده بود دوباره ازدواج کرد . خبر در شهر پیچید و حتی خودش هم در صفحه اینستاگرامش این مطلب را عکس منتشر کرد . واکنش ها اما به این خبر در دنیای مجازی متفاوت بود چرا که این سبک طلاق و ازدواج مخصوصاً در قشر هنرمند علیرغم اینکه رایج است اما هنوز در جامعه ما بعنوان تابو شناخته می شود و بوقلی هنوز متداول نیست . البته آدمها بیشتر هرطور که دوست دارند زندگی کنند چراکه ما همه یکبار به دنیا می آییم و یکبار هم زندگی می کنیم و قرار نیست بخاطر رسم و رسوم و سنت هایی که معلوم نیست به چه دلیلی باب شده اند و یا بخاطر حرف مردم زندگی خودمان را خراب کنیم . بیاموزم قفسیه ازدواج این هنرمند هم باید گفت که این زندگی شخصی اوست و خودش صلاح خودش را بهتر می داند اما امان از فضاوت های شبکه های اجتماعی و مجلات و روزنامه ها باشد اما در این رابطه ؛ یعنی از بس عادت کردیم ایه برای همه چیز سناریو بنویسیم اگر اتفاقی بیفتد و ما در مورد آن حرفی نزنیم انگار انگ لال بودن را به ما می چسبانند ! سناریو نویسی یکی از علاقه های ماست و نهائیا معجونی است آمیخته از حس کنجی و قضاوت بیاموزم همه چیز ! از فضا و کهنکشان گرفته تا زبرزمین ! یعنی اقتدر که در مورد همه چیز کنجکاویم اگر پیرامون خودمان و احوالاتمان کنجکاو بودیم بیاحال به جایی رسیده بودیم . البته مردم زندگی خودمان را خراب کنیم . بیاموزم قفسیه ازدواج این هنرمند هم باید گفت که این زندگی شخصی اوست و خودش صلاح خودش را بهتر می داند اما امان از فضاوت های شبکه های اجتماعی و مجلات و روزنامه ها باشد اما در این رابطه ؛ یعنی از بس عادت کردیم ایه برای همه چیز سناریو بنویسیم اگر اتفاقی بیفتد و ما در مورد آن حرفی نزنیم انگار انگ لال بودن را به ما می چسبانند ! سناریو نویسی یکی از علاقه های ماست و نهائیا معجونی است آمیخته از حس کنجی و قضاوت بیاموزم همه چیز ! از فضا و کهنکشان گرفته تا زبرزمین ! یعنی اقتدر که در مورد همه چیز کنجکاویم اگر پیرامون خودمان و احوالاتمان کنجکاو بودیم بیاحال به جایی رسیده بودیم . البته مردم زندگی خودمان را خراب کنیم . بیاموزم قفسیه ازدواج این هنرمند هم باید گفت که این زندگی شخصی اوست و خودش صلاح خودش را بهتر می داند اما امان از فضاوت های شبکه های اجتماعی و مجلات و روزنامه ها باشد اما در این رابطه ؛ یعنی از بس عادت کردیم ایه برای همه چیز سناریو بنویسیم اگر اتفاقی بیفتد و ما در مورد آن حرفی نزنیم انگار انگ لال بودن را به ما می چسبانند ! سناریو نویسی یکی از علاقه های ماست و نهائیا معجونی است آمیخته از حس کنجی و قضاوت بیاموزم همه چیز ! از فضا و کهنکشان گرفته تا زبرزمین ! یعنی اقتدر که در مورد همه چیز کنجکاویم اگر پیرامون خودمان و احوالاتمان کنجکاو بودیم بیاحال به جایی رسیده بودیم . البته مردم زندگی خودمان را خراب کنیم . بیاموزم قفسیه ازدواج این هنرمند هم باید گفت که این زندگی شخصی اوست و خودش صلاح خودش را بهتر می داند اما امان از فضاوت های شبکه های اجتماعی و مجلات و روزنامه ها باشد اما در این رابطه ؛ یعنی از بس عادت کردیم ایه برای همه چیز سناریو بنویسیم اگر اتفاقی بیفتد و ما در مورد آن حرفی نزنیم انگار انگ لال بودن را به ما می چسبانند ! سناریو نویسی یکی از علاقه های ماست و نهائیا معجونی است آمیخته از حس کنجی و قضاوت بیاموزم همه چیز ! از فضا و کهنکشان گرفته تا زبرزمین ! یعنی اقتدر که در مورد همه چیز کنجکاویم اگر پیرامون خودمان و احوالاتمان کنجکاو بودیم بیاحال به جایی رسیده بودیم . البته مردم زندگی خودمان را خراب کنیم . بیاموزم قفسیه ازدواج این هنرمند هم باید گفت که این زندگی شخصی اوست و خودش صلاح خودش را بهتر می داند اما امان از فضاوت های شبکه های اجتماعی و مجلات و روزنامه ها باشد اما در این رابطه ؛ یعنی از بس عادت کردیم ایه برای همه چیز سناریو بنویسیم اگر اتفاقی بیفتد و ما در مورد آن حرفی نزنیم انگار انگ لال بودن را به ما می چسبانند ! سناریو نویسی یکی از علاقه های ماست و نهائیا معجونی است آمیخته از حس کنجی و قضاوت بیاموزم همه چیز ! از فضا و کهنکشان گرفته تا زبرزمین ! یعنی اقتدر که در مورد همه چیز کنجکاویم اگر پیرامون خودمان و احوالاتمان کنجکاو بودیم بیاحال به جایی رسیده بودیم . البته مردم زندگی خودمان را خراب کنیم . بیاموزم قفسیه ازدواج این هنرمند هم باید گفت که این زندگی شخصی اوست و خودش صلاح خودش را بهتر می داند اما امان از فضاوت های شبکه های اجتماعی و مجلات و روزنامه ها باشد اما در این رابطه ؛ یعنی از بس عادت کردیم ایه برای همه چیز سناریو بنویسیم اگر اتفاقی بیفتد و ما در مورد آن حرفی نزنیم انگار انگ لال بودن را به ما می چسبانند ! سناریو نویسی یکی از علاقه های ماست و نهائیا معجونی است آمیخته از حس کنجی و قضاوت بیاموزم همه چیز ! از فضا و کهنکشان گرفته تا زبرزمین ! یعنی اقتدر که در مورد همه چیز کنجکاویم اگر پیرامون خودمان و احوالاتمان کنجکاو بودیم بیاحال به جایی رسیده بودیم . البته مردم زندگی خودمان را خراب کنیم . بیاموزم قفسیه ازدواج این هنرمند هم باید گفت که این زندگی شخصی اوست و خودش صلاح خودش را بهتر می داند اما امان از فضاوت های شبکه های اجتماعی و مجلات و روزنامه ها باشد اما در این رابطه ؛ یعنی از بس عادت کردیم ایه برای همه چیز سناریو بنویسیم اگر اتفاقی بیفتد و ما در مورد آن حرفی نزنیم انگار انگ لال بودن را به ما می چسبانند ! سناریو نویسی یکی از علاقه های ماست و نهائیا معجونی است آمیخته از حس کنجی و قضاوت بیاموزم همه چیز ! از فضا و کهنکشان گرفته تا زبرزمین ! یعنی اقتدر که در مورد همه چیز کنجکاویم اگر پیرامون خودمان و احوالاتمان کنجکاو بودیم بیاحال به جایی رسیده بودیم . البته مردم زندگی خودمان را خراب کنیم . بیاموزم قفسیه ازدواج این هنرمند هم باید گفت که این زندگی شخصی اوست و خودش صلاح خودش را بهتر می داند اما امان از فضاوت های شبکه های اجتماعی و مجلات و روزنامه ها باشد اما در این رابطه ؛ یعنی از بس عادت کردیم ایه برای همه چیز سناریو بنویسیم اگر اتفاقی بیفتد و ما در مورد آن حرفی نزنیم انگار انگ لال بودن را به ما می چسبانند ! سناریو نویسی یکی از علاقه های ماست و نهائیا معجونی است آمیخته از حس کنجی و قضاوت بیاموزم همه چیز ! از فضا و کهنکشان گرفته تا زبرزمین ! یعنی اقتدر که در مورد همه چیز کنجکاویم اگر پیرامون خودمان و احوالاتمان کنجکاو بودیم بیاحال به جایی رسیده بودیم . البته مردم زندگی خودمان را خراب کنیم . بیاموزم قفسیه ازدواج این هنرمند هم باید گفت که این زندگی شخصی اوست و خودش صلاح خودش را بهتر می داند اما امان از فضاوت های شبکه های اجتماعی و مجلات و روزنامه ها باشد اما در این رابطه ؛ یعنی از بس عادت کردیم ایه برای همه چیز سناریو بنویسیم اگر اتفاقی بیفتد و ما در مورد آن حرفی نزنیم انگار انگ لال بودن را به ما می چسبانند ! سناریو نویسی یکی از علاقه های ماست و نهائیا معجونی است آمیخته از حس کنجی و قضاوت بیاموزم همه چیز ! از فضا و کهنکشان گرفته تا زبرزمین ! یعنی اقتدر که در مورد همه چیز کنجکاویم اگر پیرامون خودمان و احوالاتمان کنجکاو بودیم بیاحال به جایی رسیده بودیم . البته مردم زندگی خودمان را خراب کنیم . بیاموزم قفسیه ازدواج این هنرمند هم باید گفت که این زندگی شخصی اوست و خودش صلاح خودش را بهتر می داند اما امان از فضاوت های شبکه های اجتماعی و مجلات و روزنامه ها باشد اما در این رابطه ؛ یعنی از بس عادت کردیم ایه برای همه چیز سناریو بنویسیم اگر اتفاقی بیفتد و ما در مورد آن حرفی نزنیم انگار انگ لال بودن را به ما می چسبانند ! سناریو نویسی یکی از علاقه های ماست و نهائیا معجونی است آمیخته از حس کنجی و قضاوت بیاموزم همه چیز ! از فضا و کهنکشان گرفته تا زبرزمین ! یعنی اقتدر که در مورد همه چیز کنجکاویم اگر پیرامون خودمان و احوالاتمان کنجکاو بودیم بیاحال به جایی رسیده بودیم . البته مردم زندگی خودمان را خراب کنیم . بیاموزم قفسیه ازدواج این هنرمند هم باید گفت که این زندگی شخصی اوست و خودش صلاح خودش را بهتر می داند اما امان از فضاوت های شبکه های اجتماعی و مجلات و روزنامه ها باشد اما در این رابطه ؛ یعنی از بس عادت کردیم ایه برای همه چیز سناریو بنویسیم اگر اتفاقی بیفتد و ما در مورد آن حرفی نزنیم انگار انگ لال بودن را به ما می چسبانند ! سناریو نویسی یکی از علاقه های ماست و نهائیا معجونی است آمیخته از حس کنجی و قضاوت بیاموزم همه چیز ! از فضا و کهنکشان گرفته تا زبرزمین ! یعنی اقتدر که در مورد همه چیز کنجکاویم اگر پیرامون خودمان و احوالاتمان کنجکاو بودیم بیاحال به جایی رسیده بودیم . البته مردم زندگی خودمان را خراب کنیم . بیاموزم قفسیه ازدواج این هنرمند هم باید گفت که این زندگی شخصی اوست و خودش صلاح خودش را بهتر می داند اما امان از فضاوت های شبکه های اجتماعی و مجلات و روزنامه ها باشد اما در این رابطه ؛ یعنی از بس عادت کردیم ایه برای همه چیز سناریو بنویسیم اگر اتفاقی بیفتد و ما در مورد آن حرفی نزنیم انگار انگ لال بودن را به ما می چسبانند ! سناریو نویسی یکی از علاقه های ماست و نهائیا معجونی است آمیخته از حس کنجی و قضاوت بیاموزم همه چیز ! از فضا و کهنکشان گرفته تا زبرزمین ! یعنی اقتدر که در مورد همه چیز کنجکاویم اگر پیرامون خودمان و احوالاتمان کنجکاو بودیم بیاحال به جایی رسیده بودیم . البته مردم زندگی خودمان را خراب کنیم . بیاموزم قفسیه ازدواج این هنرمند هم باید گفت که این زندگی شخصی اوست و خودش صلاح خودش را بهتر می داند اما امان از فضاوت های شبکه های اجتماعی و مجلات و روزنامه ها باشد اما در این رابطه ؛ یعنی از بس عادت کردیم ایه برای همه چیز سناریو بنویسیم اگر اتفاقی بیفتد و ما در مورد آن حرفی نزنیم انگار انگ لال بودن را به ما می چسبانند ! سناریو نویسی یکی از علاقه های ماست و نهائیا معجونی است آمیخته از حس کنجی و قضاوت بیاموزم همه چیز ! از فضا و کهنکشان گرفته تا زبرزمین ! یعنی اقتدر که در مورد همه چیز کنجکاویم اگر پیرامون خودمان و احوالاتمان کنجکاو بودیم بیاحال به جایی رسیده بودیم . البته مردم زندگی خودمان را خراب کنیم . بیاموزم قفسیه ازدواج این هنرمند هم باید گفت که این زندگی شخصی اوست و خودش صلاح خودش را بهتر می داند اما امان از فضاوت های شبکه های اجتماعی و مجلات و روزنامه ها باشد اما در این رابطه ؛ یعنی از بس عادت کردیم ایه برای همه چیز سناریو بنویسیم اگر اتفاقی بیفتد و ما در مورد آن حرفی نزنیم انگار انگ لال بودن را به ما می چسبانند ! سناریو نویسی یکی از علاقه های ماست و نهائیا معجونی است آمیخته از حس کنجی و قضاوت بیاموزم همه چیز ! از فضا و کهنکشان گرفته تا زبرزمین ! یعنی اقتدر که در مورد همه چیز کنجکاویم اگر پیرامون خودمان و احوالاتمان کنجکاو بودیم بیاحال به جایی رسیده بودیم . البته مردم زندگی خودمان را خراب کنیم . بیاموزم قفسیه ازدواج این هنرمند هم باید گفت که این زندگی شخصی اوست و خودش صلاح خودش را بهتر می داند اما امان از فضاوت های شبکه های اجتماعی و مجلات و روزنامه ها باشد اما در این رابطه ؛ یعنی از بس عادت کردیم ایه برای همه چیز سناریو بنویسیم اگر اتفاقی بیفتد و ما در مورد آن حرفی نزنیم انگار انگ لال بودن را به ما می چسبانند ! سناریو نویسی یکی از علاقه های ماست و نهائیا معجونی است آمیخته از حس کنجی و قضاوت بیاموزم همه چیز ! از فضا و کهنکشان گرفته تا زبرزمین ! یعنی اقتدر که در مورد همه چیز کنجکاویم اگر پیرامون خودمان و احوالاتمان کنجکاو بودیم بیاحال به جایی رسیده بودیم . البته مردم زندگی خودمان را خراب کنیم . بیاموزم قفسیه ازدواج این هنرمند هم باید گفت که این زندگی شخصی اوست و خودش صلاح خودش را بهتر می داند اما امان از فضاوت های شبکه های اجتماعی و مجلات و روزنامه ها باشد اما در این رابطه ؛ یعنی از بس عادت کردیم ایه برای همه چیز سناریو بنویسیم اگر اتفاقی بیفتد و ما در مورد آن حرفی نزنیم انگار انگ لال بودن را به ما می چسبانند ! سناریو نویسی یکی از علاقه های ماست و نهائیا معجونی است آمیخته از حس کنجی و قضاوت بیاموزم همه چیز ! از فضا و کهنکشان گرفته تا زبرزمین ! یعنی اقتدر که در مورد همه چیز کنجکاویم اگر پیرامون خودمان و احوالاتمان کنجکاو بودیم بیاحال به جایی رسیده بودیم . البته مردم زندگی خودمان را خراب کنیم . بیاموزم قفسیه ازدواج این هنرمند هم باید گفت که این زندگی شخصی اوست و خودش صلاح خودش را بهتر می داند اما امان از فضاوت های شبکه های اجتماعی و مجلات و روزنامه ها باشد اما در این رابطه ؛ یعنی از بس عادت کردیم ایه برای همه چیز سناریو بنویسیم اگر اتفاقی بیفتد و ما در مورد آن حرفی نزنیم انگار انگ لال بودن را به ما می چسبانند ! سناریو نویسی یکی از علاقه های ماست و نهائیا معجونی است آمیخته از حس کنجی و قضاوت بیاموزم همه چیز ! از فضا و کهنکشان گرفته تا زبرزمین ! یعنی اقتدر که در مورد همه چیز کنجکاویم اگر پیرامون خودمان و احوالاتمان کنجکاو بودیم بیاحال به جایی رسیده بودیم . البته مردم زندگی خودمان را خراب کنیم . بیاموزم قفسیه ازدواج این هنرمند هم باید گفت که این زندگی شخصی اوست و خودش صلاح خودش را بهتر می داند اما امان از فضاوت های شبکه های اجتماعی و مجلات و روزنامه ها باشد اما در این رابطه ؛ یعنی از بس عادت کردیم ایه برای همه چیز سناریو بنویسیم اگر اتفاقی بیفتد و ما در مورد آن حرفی نزنیم انگار انگ لال بودن را به ما می چسبانند ! سناریو نویسی یکی از علاقه های ماست و نهائیا معجونی است آمیخته از حس کنجی و قضاوت بیاموزم همه چیز ! از فضا و کهنکشان گرفته تا زبرزمین ! یعنی اقتدر که در مورد همه چیز کنجکاویم اگر پیرامون خودمان و احوالاتمان کنجکاو بودیم بیاحال به جایی رسیده بودیم . البته مردم زندگی خودمان را خراب کنیم . بیاموزم قفسیه ازدواج این هنرمند هم باید گفت که این زندگی شخصی اوست و خودش صلاح خودش را بهتر می داند اما امان از فضاوت های شبکه های اجتماعی و مجلات و روزنامه